گزارش خبر
NEWSREPORT
کد خبر: ۴۵۰۸۱۰
شنبه ۱۶ اسفند ۱۳۹۹ ۱۶:۴۳

درس های بورس ۹۹ برای سیاستگذاران و سرمایه گذاران

سرمایه گذاری واقعی در بورس چه برای سیاست گذاران کلان و چه سهامداران، آشنایی جدی و اصولی با مهارت ها، تکنیک و تاکیتیک های حضور در بازار سرمایه و ایجاد و تقویت قدرت تحلیل است.

به گزارش خبر، "حسن رضا دلیری - رئیس گروه مطالعات اقتصادی دلیران پارس" در یادداشتی نوشت:
بازار سرمایه ایران از نخستین فرازهای سال ۱۳۹۹ آبستن رویدادها و تحولاتی مهم و عبرت آموز بوده است، چرا که تورم فزآینده و رشد انفجارگونه قیمت ها در بازارهای موازی ارز، طلا، مسکن و کالا بازار سهام و اوراق بهادار را نیز در بر گرفته و بسیاری را به صرافت بردن بهره مضاعف از این بازار انداخت؛ سود ناشی از رشد ارزش سهام و تجدید ارزیابی دارایی شرکت ها از یک سو و افزایش سود انتظاری شرکت ها از سوی دیگر سیل نقدینگی سرگردان و در معرض تنزل ارزش را متوجه بازار سرمایه کرده بود.اگرچه روند منطقی صعود شاخص بورس از تیرماه سال ۱۳۹۷ آغاز شد، اما سیل نقدینگی از آغاز سال ۱۳۹۹ مسیر بازار سرمایه را در پیش گرفت و در طوفان ورود بی وقفه سرمایه های خرد و کلان، شاخص بورس به فتح قله ۲ میلیون واحدی نائل آمد، اما با تغییر برخی رویکردها، طوفان هیجانات به همان سرعتی که برخاسته بود فرو نشست و سیر نزولی شاخص بورس نیز آغاز شد، با پایان یافتن تابستان و آغاز فصل پائیز، انتخابات آمریکا رویداد دیگری بود که بازار را مجددا به خلسه فرو برد و بورس این بار به انتظار روشن شدن نتایج انتخابات آمریکا نشست، اما با رویدادهای غیرمنتظره ای چون پیروزی جو بایدن، لایحه چالش برانگیز بودجه سال ۱۴۰۰ و نگاه حقوقی های نهادی به بازار سرمایه برای تامین بودجه پایان سالشان، انتظارها برای خروج بورس از رکود و سکون به سر نیامد و سیر نزولی شاخص بار دیگر از سر گرفته شد.حال کسانی که پیش بینی فتح دوباره قله ۲ میلیون واحدی شاخص بورس تا پایان سال را داشتند، به سختی قادر بودند از فرضیات گذشته خود دفاع کنند، چرا که شاهد شکل گیری دوباره صف های فروش و خروج نقدینگی سرخورده و ناکام از بازار بودند، اما چرا اقبالی که به بازار سهام رو کرده بود، دیری نپائید و اینگونه از آن رویگردان شد؟مگر نه اینکه نظام بانکی از تامین مالی یک تنه اقتصاد درمانده و از دیرباز امیدها به بورس دوخته شده بود، پس چرا امکان هدایت درست نقدینگی در بازار سهام به منظور تامین مالی شرکت ها، تولید و اقتصاد فراهم نشد؟پاسخ به این پرسش ها دشوار نیست و پاسخ آن به کرات به نقل از کارشناسان و مسئولان خرد کلان بیان شده است.نگاهی به رشد ۷۰ درصد کدهای بورسی صادره در ۶ ماهه نخست سال به درستی بیانگر تمام واقعیت است. در واقع سرمایه گذارانی که در طول ۶ ماهه نخست سال جاری وارد بازار سهام شدند، کمترین آشنایی با فراز و نشیب های این بازار، مکانیزم ها، ابزارهای معاملاتی و سازو کارهای ویژه آن نداشتند و ندارند.تازه واردان بورس کمتر اطلاع داشتند که بازار سرمایه بسان رودخانه ای است که اگر ناشیانه در آن قدم بگذارند، نه تنها انتظاراتشان برای کسب سود محق نخواهد شد که ممکن است بهای آن را نیز پرداخته و بخشی از سرمایه خود را نیز از دست بدهند.متاسفانه علی رغم تاکید هایی که بر جایگاه بورس در اقتصاد شده و می شود، در مقام عمل اقدام در خور توجهی برای فرهنگ سازی و توسعه دانش این بازار در اذهان مردم و از طریق آورده های مردمی به عمل نیامده است، عموم مردم از آنچه در دل این بازار می گذرد بی اطلاع هستند و در شرایط عادی و معمول۸۰ درصد بازیگران بورس را حقوقی هایی تشکیل می دهند که اغلب منشا و پایه و اساس دولتی دارند. جای آشنایی مردم با بازار سرمایه در کتب درسی مدارس و دانشگاه ها گرفته تا رسانه های فراگیر ارتباط جمعی خالی است و از مهجور بودن بازار سرمایه همین بس که حتی در رشته های مرتبط دانشگاهی چون اقتصاد و حسابداری نیز کمتر درباره آن بحث و گفت و گو می شود.عموم مردم کمتر اطلاع دارند که بورس محل حضور سرمایه گذاران ریسک پذیر است و در غیر این صورت باید سرمایه شان را به محل های امن تری چون نظام بانکی سپرده و به سود تضمین شده آن بسنده کنند، کمتر می دانند که باید "مازاد" و نه اصل دارایی مورد نیازشان را وارد این بازار کنند و کمتر می دانند که تحرکات هیجانی در بازار سهام و تشکیل خلق الساعه صف های خرید یا فروش نه تنها به خودشان که به کلیت بازار و تمامی سرمایه گذاران لطمه می زند.بر این اساس است که باید یادآور شد سرمایه گذاری واقعی در بورس چه برای سیاست گذاران کلان و چه سهامداران، آشنایی جدی و اصولی با مهارت ها، تکنیک و تاکیتیک های حضور در بازار سرمایه و ایجاد و تقویت قدرت تحلیل است.اگر سیاستگذاران کلان آنگونه که ادعا می کنند بورس را دومین منبع و مرجع کشور برای تامین مالی اقتصاد می دانند و مایلند مردم با اعتماد و اطمینان در آن سرمایه گذاری کنند، باید در تقویت زیربناهای آن یعنی توسعه فرهنگ سهامداری،آموزش و دانش مردم از بازار سهام بکوشند و در این مسیر از هیچ کوششی فرونگذارند، در غیر این صورت و در شرایط اقتصاد متلاطم و تورمی ایران چشم انداز تکرار چنین ضرباتی بر پیکر بازار سرمایه دور از انتظار نیست.